حکم وضعی ندبی(مکملی) جلوس بین سجده در نافله

یکی از چیزهایی که بسیار مهم است حکم وضعی ندبی است. جواهر را هم عرض کردم. مثالهایی هم دارد. مثالًشما در نماز نافله، حکم وضعی داری ای ندارد؟ مثالًاگر رکوع را به جا نیاوری، نمازتان درست نیست. خُب حکم وضعی رکوع در نماز مستحبی هم هست. این وضعیت چه وضعیتی است؟ با اینکه تکلیف وجوبی ندارد، وضعیت آن به تبع خود نماز است؛ یعنی اگر رکوع نباشد نماز نیست. به عبارت دیگر شرطیت دارد اما تکلیفیت ندارد. یعنی همان جا اگر به رکوع رسیدی میتوانی آن را ترک کنی؛ نافله را میتوانی عمدًبه هم بزنی. فتوای مشهور این است. اما اگر بخواهی باشد، باید رکوع را بیاوری.

در نماز مستحب آیا شما میتوانی عمدًآن را به هم بزنی ای نه؟ یعنی مثالً جلوس بین السجدتین در نماز فریضه واجب است. باید بنشینی؛ نمیتوانی در حال اختیار سر را از روی مهر بردارید و دوباره بگذارید. جلوس بین السجدتین، واجب صلاتی است. اگر عمدًترک شود صلات باطل است. حال آیا همین را عمدًمیتوانی در نافله ترک کنی ای نه؟ یعنی چون میخواهی نافله راحتتر باشد، سر را که روی مهر میگذاری، بعد یک ساعت سر را بلند میکنی و دوباره روی مهر میگذاری؛ دو سجده میشود. این ممکن هست ای نه؟ در اینجا اختلاف فتوا هست. برخی میگویند میشود و برخی دیگر میگویند نمیشود. میگویند چون چیزی که در آن جا تکلیفا واجب است، در اینجا وضعا شرط است. یعنی اگر میخواهی نماز بخوانی باید اخیارا بنشینی. بله اگر مریض هستی نه، و الا اخیارا باید بنشینی. برخی دیگر میگویند نه. خُب حالا کدام یک از اینها درست است؟

اگر وضعیت ندبیه در خود حکم وضعی معقول بود، در اینجا لازمه اش این است که میتوانی ننشینی. چون حکم وضعیای که در نماز واجب بود، وقتی به نماز مستحبی میآید، دو جور قابل تصور است. وضعی شرطی به نحو شرط مقوم، که اگر نبود نیست. و وضعی شرطی به نحو مکمل؛ یعنی وضع هست اما وضعی مکمل است؛ یعنی افضل این است که بنشینی. اما اگر ننشستی اصل نافله تو باطل نیست. ببینی چقدر زیبا میشود! حکم وضعی ندبی مکمل. حکم وضعی هست ولی ندبی است. یعنی شارع مقدس در نماز مستحب، یک وضعی را در نظر گرفته اما اصل وضع آن ندبی است. شبیه جزء ندبی است. جزء ندبی یک جور بود، در اینجا هم اصل وضع الصلات ترکیب صلات ندبی است.

شاهد این دومی چیست؟ شاهدش این است که در خیلی از روایات هست که میگویند در مستحبات تخفیف شده؛ شما میتوانی اخیارا در حال راه رفتن بخوانی. یعنی آن استقراری که نماز واجب هست، در اینجا نیست. استقبالی که شرط است، در حال راه رفتن نیست. مثالًقیامی که شرط است، در نماز نافله میتوانی رعایتش نکنی و نشسته نماز بخوانی. اگر اینها را بهدلیل خاص ندانیم، یعنی صغرای آن کبرایی باشد که عرض کردم؛ اگر دلیل خاص ببینی میگویی در اینجا روایت گفته شما تنها میتوانی راه بروی؛ نمیتوانی به جای دیگر تعدی بدهی. اما اگر اینها را با مجموع ادله دیدی، میگویی این ادله کاشف است از اینکه حکم وضعی ای که شارع در نماز

مستحب در نظر گرفته، حکم وضعی است اما وضعیای که شرط مقوم نیست، بلکه حکم وضعی به‌صورت شرط مکمل است.

> 39:44

شاگرد: دراین‌صورت هر موقع خواستیم می‌توانیم کم و زیادش کنیم. مثلاً می‌توانید یک رکعت را عمداً نخوانید.

استاد: من حرفی ندارم. اگر این مبانء را نپذیریم مشکلی ندارم. در آن جلسه‌ای که بین حاج آقا و آن آقا بحث شد، من بودم. همین بحث بود. حاج آقا همین حرف شما را ... ؛ یعنی مبانی نیست که به نحو صغریات یک کبری باشد. ما محتاج به‌دلیل هستیم، در هر مورد. بسیار خُب! اما به تعبیر صاحب جواهر گاهی است که وقتی یک دلیل می‌بینید، می‌گویید دلیل گفته، اما کمکم آن یک دلیل که مثلا در مستحباب دیدید، ده دلیل می‌شود، از مجموع ده دلیل دیگر قانع می‌شوید که لسان شارع در حکم وضعی مندوبات، وضع مکمل است. اما نه به نحو انفجاری. انفجاری را در بحث تناقض گفتیم. برخی می‌گویند تناقض ممکن محال است. تناقض را یک جوری ممکن می‌دانند که به نحو انفجاری است؛ می‌گویند هر کجا بروی و هر نحوی باشد تناقض ممکن است. خُب این حرف، حرف بسیار چرتی است. اما در بحث پارادوکس ها که یکی از سنگین ترین مباحث بشری است، امروزه یک منطقی درآمده به نام منطق فراسازگار. این منطق چه کار می‌کرد؟ می‌گفت ما نمی‌گوییم تناقض به نحو انفجاری هست. یعنی نمی‌گوییم هر کجا رفتید تناقض ممکن است. بلکه حوزه‌هایی هست که وقتی وارد آن حوزه می‌شوید در آن حوزه تناقض مشکلی ندارد. یکی از مصادیقش «المامیة من حیث هی لاموجودة و لامعدومة» است. این را چطور تصور می‌کردید؟ علماء بحث می‌کردند؛ مثلاً مرتبه می‌زدند. خُب این‌ها هم یک جور آن را حل می‌کنند. می‌گویند یک حوزه‌هایی می‌رویم که هم موجود است و هم معدوم، نه موجود است و نه معدوم. هم شامل هست و هم شامل نیست.

بازبینی #1
ایجاد شده 2 مه 2026 14:04:50 توسط ... .
به روزرسانی شده 2 مه 2026 14:05:18 توسط ... .